

امام مهدی عجله الله تعالی فرجه و عرصه‌های ظهور

محمد مهدی قائمی امیری^۱

چکیده

صف‌آرایی جبهه حق و باطل در پهنه گیتی امری دائمی بوده و هست، سخن در فرجام عالم و آینده بشر است که از دیدگاه اسلام، آینده‌ای امیدبخش و زیبا است و ظهوری صورت خواهد پذیرفت که در سایه برنامه‌ها و اقدامات آن حق و عدالت و اخلاق حاکم گردد و جامعه‌ای فاضله شکل گیرد. این اندیشه با تفاوت‌هایی کم یا زیاد در مذاهب و ادیان دیگر نیز موجود است. او در سایه قدرت ولایی و امدادهای الهی اراده الهی را محقق خواهد کرد و مستضعفان را وارثان زمین می‌گرداند. بشریت در واپسین دم حیات برای چند صباحی لذت نصرت و امنیت را خواهد چشید و خدای متعال با آرامش و امنیت عبادت می‌شود. دین از محدوده مسجد و معبد بیرون آمده و وارد عرصه و سرای جامعه می‌گردد. جامعه دارای چشم‌اندازی روشن در عرصه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و معنوی خواهد بود و غلبه حق بر باطل چهره ناپاک جهان را روشن و زیبا می‌سازد.

کلیدواژگان

امام مهدی عجله الله تعالی فرجه، ظهور، انتظار، عدالت.

^۱. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی عجله الله تعالی فرجه العالمیه و مدیر گروه علمی شیعه شناسی.

مقدمه

از روزگاران قدیم، در میدان حیات اجتماعی، دو گروه را در دو جبهه از هم بازمی‌شناسیم که در برابر هم و علیه یکدیگر صف‌آرایی داشتند: جبهه حق و جبهه باطل. در جبهه حق دعوت به خداجویی، عدالت‌خواهی، حقیقت‌درستی، حق‌طلبی مهر، وفا، صداقت و صفا بود و در جبهه باطل، خودخواهی و خودمداری، زورگویی، تجاوز و استبداد، تبعیض و تجاوز و اقدامات در ستیز آشکار با شرافت و کرامت انسان‌ها بود. این دو جبهه هم‌اکنون نیز در عرصه بین‌المللی باز و گشوده است؛ و اما این‌که فرجام و سرانجام آن‌چه خواهد شد، نظرات از سوی مذاهب و مکاتب متفاوت است. از دیدگاه اسلام آینده بشر، آینده‌ای امیدبخش و دارای سرانجامی زیبا است. چه این‌که در واپسین حیات بشر ظهوری صورت می‌گیرد که در سایه برنامه‌ها و اقدامات او ریشه‌های جهل و فساد خشکانده و حق و عدالت استقرار می‌یابد.

باور ما این است که در فرجام عصر انسان، موج‌های نیرومندی در جهان پدید می‌آیند که تحت رهبری انسانی فرزانه، بازنگهداری شده‌ای از ذخایر الهی، خلیفه‌الله، حضرت مهدی علیه السلام که از سلاله انبیای ابراهیمی از نسل خاتم آن‌ها و از فرزندان علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام است، سراسر جهان را فراگرفته و مردم را به قیام و ستیز علیه نابسامانی‌ها، استثمارها و استعمارها وامی‌دارد و بر اثر آن حاکمیت ستم و فساد و توطئه‌ها و نفاق‌ها از جهان زدوده شده و تحولی سرورانگیز پدید می‌آید. دوران طلایی بشر آغاز شده و پیروزی خداپرستان قطعی می‌گردد. از نظر ما مسئله ظهور واقعی حتمی و اجتناب‌ناپذیر است. در مذاهب دیگر نیز همین خط و اندیشه با تفاوت‌هایی بیش یا کم وجود دارد.

تاریخ ظهور

این‌که او کی و در چه تاریخی ظهور می‌کند؟ پاسخی برای آن نیست. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مَثَل ظهور مهدی مثل رستاخیز است که ناگهان شما را فرامی‌گیرد

و جز خدا کسی از آن باخبر نیست.^۱
و در سخنی دیگر آمده است که او چون شهابی آسمانی است که ناگهان پدید آمده و زمین را به نور خود روشن می‌سازد.^۲

در اسناد ما آمده است که در حین ظهور، همزمان در سراسر جهان این ندا طنین‌انداز می‌شود: «أنا المهدي، أنا قائم الزمان، أنا الذي أملأها عدلاً كما ملئت جوراً»^۳ من مهدی هستم، من قائم زمان هستم، من همان هستم که زمین را پر از عدل کنم، آن‌چنان‌که از وجود و ستم پر شده باشد، زمین از حجت خدا خالی نباشد. از امام حسین علیه السلام آمده است که خداوند کار او را در یک‌شب اصلاح کند.^۴

برای ظهور او مقدماتی وجود دارد، ترسی شدید بر مردم مسلط گردد، آشوب‌ها و گرفتاری‌ها مردم را احاطه کرده و کشتارها و اختلافات و تفرقاتی در زمین در میان مردم رخ می‌دهد و رنج‌ها چندان شود که مردم به جان یکدیگر افتد.^۵

هم‌چنین فساد زیاد گردد، اقتصاد بشر در راه گناه بکار گرفته‌شده و حرام‌خواری فراوان می‌گردد، جهان در کام منافقان گسترده گردد، سخن حق بر مردم سنگین آید، نهی از منکر ترک گردد و مردم از بیماری‌های سخت در مضیقه‌اند، هرج و مرج دنیا را فراگیرد، کسی به کسی رحم نکند، خرافه و فریب‌گسترش یابد و دعاوی بشرساخته به ورشکستگی کشانده شود.^۶
در چنین شرایطی، فریاد مصلحان دل‌ها را آماده سازد، صلح و جنگ، شهادت و قتل، نهضت و اسارت، آزادی و زندان، شکنجه و ملاطفت، هرکدام از یک دید و جهت درهم‌آمیخته گردد. در این صورت مسئله ظهور و حضور تحقق یابد.

۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲.

۲. حویزی، تفسیر نورالتقلین، ذیل آیه «و اشرق الارض بنور ربها» (زمر، ۹۹).

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲.

۴. همان، ص ۲۵۶.

۵. همان، ص ۲۴۱.

۶. مجلسی، بحارالانوار، به نقل از نوید امن‌وامان، صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ص ۱۲۱ به بعد.

اقدامات امام علیه السلام در عرصه‌های مختلف

قیامی شکوهمند و فراگیر با همراهی ۳۱۳ تن از یاران پاک و خالص آغاز کرده و بر دامنه و فراگیری آن تا کران در کران عالم خواهد افزود، او در این قیام فراگیر، همانند جدش رسول‌الله صلی الله علیه و آله دو کار مهم اماته و احیاء را انجام خواهد داد. اماته بدعت‌ها و کفرها، شرک‌ها و نفاق‌ها و احیاء متروکه کتاب و سنت. راه او راه رسول‌الله، امیرالمؤمنین علیه السلام و نهضت او دنباله نهضت انبیای الهی است.^۱ همه کوشش و تلاش او مصروف این امر است که به احقاق حقوق پرداخته و سایه عدالت را بر سر مردم جهان بگستراند و این وعده‌ای الهی است.

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ الْوَارِثِينَ»^۲

در عرصه فرهنگ

در منابع دینی عرصه اقدامات فرهنگی به صورت پر دامنه‌ای آمده است با رعایت اختصار می‌توان گفت:

۱. هدایت عقول

شکی نیست که در سایه پیشرفت‌های علمی و تحول تجارب، عقول بشر نیز توسعه و گسترش یافته و سیری صعودی را خواهد پیمود. برهان‌های قاطع و استدلال‌های محکم، حکمت و تعقل را گسترش خواهد داد و این در سایه رونق عقلانیت و والایی منابع علم و دانش است.^۳

روایات می‌گویند: به هنگامی که مهدی علیه السلام قیام کند، دست ولایت بر سر مردم می‌نهد عقول آن‌ها را هدایت کرده و اخلاق آنان را کامل گرداند.

امام باقر علیه السلام: «اذا اقام قائمنا، وضع الله يده على روس العباد، فجمع بها عقولهم و

۱. مجلسی، بحار، ج ۵۲، ص ۱۷۵.

۲. (قصص: ۵).

۳. خزائن العلم.

کملت به اخلاقهم^۱

موجبات رشد فکری بیشتر مردم را فراهم می‌سازد و ادراکات را نیرومند می‌گرداند تا حدی که بتوانند مسائل را با دیدی وسیع‌تر و عمیق‌تر بنگرند و رشد و هدایت عقول، خود سبب همگامی با مهدی علیه السلام است و خواستاری اجرای اصول عادلانه و اجرای قوانین به‌حق و پذیرش دعوت مصلح و قبول حکومت حق بر اثر آن پدید می‌آید و هواها، استبدادها، قبول ذلت‌ها در سایه آن رو به فنا می‌گذارند.

۲. توسعه علوم

در عصر ظهور شرایطی برای توسعه علوم پدید می‌آید و او خود به این امر اقدام می‌فرماید. دامنه توسعه به‌جایی رسد که اگر فردی در مشرق جهان باشد از مغرب عالم مطلع است.^۲ زنان نیز چنان دانشی خواهند یافت که در خانه خود، بر اساس قرآن و سنت نظر خواهند داد.^۳ در سایه رشد و هدایت عقول، تنظیم قوای نفسانی، هدایت و کنترل هواها و تلاش‌ها در امر کشف و اختراع و ابداع علم توسعه می‌یابد. برخی روایات می‌گویند اگر جمع علوم هفتاد و دو حرف (در برخی اسناد بیست و هفت حرف) باشد. تا زمان ظهور فقط دو حرفش کشف شده باشد و باقی آن در عصر مهدی علیه السلام کشف گردد.^۴ آگاهی از حقایق و علوم واجب می‌گردد و متخلف کیفر می‌بیند.^۵

۳. لغو جاهلیت‌ها

از اقدامات او لغو تمامی جلوه‌های جاهلیت کهنه و نوین است. چه بسیارند آداب و رسوم جاهلی که در جامعه امروزه وجود دارند و حتی عالمان بدان

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۱۸۲.

۲. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر الامام الثانی عشر، ج ۲، ص ۲۸۳.

۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبه، ص ۱۲۶.

۴. طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، ص ۱۱۷.

۵. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۱، ص ۵۵.

وابسته‌اند و چه بسیارند بدعت‌ها که در عصر او وجود و حضور دارند و امام به ریشه‌کن کردن آن‌ها می‌پردازد: آداب و رسوم که چون بندها بر پای مردم بسته شده و مانعی در سر راه رشد انسان وجود دارند. هنرها و شبه‌هنرهایی در جامعه باب شده‌اند که به جای تحریک مردم به کار و انگیزه‌سازی به تخدیر مردم می‌پردازند و آن‌ها را از اشتغالات لازم و ضروری دور می‌دارند و به همین گونه بسیارند اموری که به اسم مدنیت در جامعه وجود دارند ولی از جاهلیت هم زشت‌تر و ناپسندتر است و امام به آن شرایط و عوامل ارتجاع پایان می‌دهد و قشریت‌ها و تحجرهای جامدکننده را از میان بردارد.

۴. در عرصه تربیت

امام تجدیدکننده‌های سنت‌های الهی است، زنده کننده تفکرات صحیح، پاکی و عدالت و در خط تزکیه و تعلیم انسان است. می‌کوشد افکار را زنده و پربار کند. ذهن‌ها را تربیت و آماده پذیرش و قبول حقایق کند. او بشر را به سوی خداپرستی، زیبادوستی، اخلاق و انسانیت، کاری مشروع، مصرفی سنجیده، آزادی و استقلالی مشروط، پذیرش آداب و رسوم سازنده، روابطی انسانی، معاشرتی مورد تأیید، برادری و برابری، مواسات و ایثار جهت می‌دهد و از همه آن‌چه مایه سقوط و انحطاط بشر است دور می‌دارد.

در عصر او علوم و معارفی که سبب رشد و صعود بشرند توسعه می‌یابند، فطرت‌های فروخته در زیر توده‌های خاکستر تبلیغات بیدار می‌شوند، وجدان‌های نشأت گرفته از فطرت خدا آشنا او را به سوی خود خوانده و در خط سازندگی و بازسازی انسان قرار می‌گیرند. غرایز تعدیل می‌شود و آدمی در خط عبودیت که مقصد آفرینش است قرار می‌گیرند.^۱

۵. رجعت انسان

عصر ظهور، عصر رجعت است و این به دو معنا است، یکی آن‌که بر اساس باور و اعتقاد ما در عصر ظهور عده‌ای از پاکان و نیکان و هم‌گروهی از اشرار و

۱. (ذاریات: ۵۶).

بدان که در دنیای برزخ‌اند، زنده گردند و جزاء و کیفر یابند. نیکان در رکاب حضرتش به خدمت ورزند و بدان مایه عبرت قرار گیرند.^۱

معنای دیگر بازگشت انسان به فطرت و ایده‌آل‌های انسانی و به آن چیزی است که در سایه وجود نفحه منسوب به رب در آدمی به ودیعت نهاده شده است.^۲ رسالت مهدی علیه السلام ایجاد دگرگونی و تحول در روح انسانی و بازگشت دادن او به سوی عبودیت است.

آن‌ها که در سایه زرق و برق‌ها و فریب‌کاری دنیا خود را باخته، آن‌ها را در سایه اشتباهات در پرتگاه‌ها قرار گرفته‌اند، آن‌ها که به دام حيله و مکر دنیا افتاده و از خدای گریخته‌اند.^۳ راه خود را بازمی‌یابند و در سایه هدایت مهدی علیه السلام و رهنمودهایش، طریق سعادت را در پیش گیرند و البته افراد خودسر و مستبد و آن‌ها که دلی سخت چون سنگ دارند^۴ همچنان در همان وادی باقی بمانند تا به قهر و انتقام الهی گرفتار آیند.

۶. تکمیل و تکامل

عصر ظهور دوران مساعدی برای تکمیل و تکامل است. هرکس می‌تواند با استفاده از شرایط و امکانات موجبات رشد و کمال خود را یافته و در صورت خواست قدم در آن وادی نهد و به مقصود رسد. هر انسانی می‌تواند با استفاده از دانش و رشد خود زمینه را برای ایجاد رشد دیگری فراهم کرده و برای رساندن دیگری به سر حد کمال اقدام نمایند. امر به معروف و نهی از منکر که از مصادیق اتم نیک بودن است^۵، در عصر او صورت جدی و قطعی به خود می‌گیرد و عوامل گناه و تخریب انسان از میان زدوده خواهد شد. در عصر ظهور، پیش از هر اقدام تنبیهی، سعی می‌شود مردم سر عقل آیند و با هرکس به میزان عقل و خردش سخن گفته می‌شود.

^۱. صدوق، محمد بن بابویه، الاعتقادات، ص ۱۳۹.

^۲. (حجر: ۲۹).

^۳. نهج البلاغه، نامه ۴۵.

^۴. (بقره: ۷۴).

^۵. (آل عمران: ۱۱۰).

در عرصه سیاست

بخش مهمی از کوشش و تلاش عصر ظهور متوجه امور سیاسی، تشکیل حکومت و قدرت و اجرا است. اجرای نظام اسلامی و امنیت در سایه آن، تحقق وعده الهی که عبادت بدون شرک است^۱ در خط جدی حرکت و قیام حضرت است.

۱. تشکیل حکومت واحد

امام باقر علیه السلام فرمود: به هنگامی که دولت ما قیام کرد، دولت‌های باطل از میان رفته و قدرت و حکومت او ریشه حکومت جباران را خواهد خشکاند.^۲ پیروزی او کامل و فرمانروایی او بر سراسر جهان است. رهبری سیاسی جهان را بر عهده می‌گیرد و او امامی پرهیزکار، مؤید به نصر از جانب خدا و منصور به رعب است.^۳

او معجزه امت واحده را به صورت یکپارچه و سریع واقع می‌سازد. همه نقاط جهان را تحت سلطه و تصرف خود درمی‌آورد و البته چنین مقصودی به همراه جنگ با مخالفان و مانع‌تراشان است.^۴ بشریت برای یک‌بار هم که شده در عصر او زیر پرچم واحدی گرد هم می‌آیند و تحت نظام و سیطره یک قانون زندگی می‌کنند. شعاع نفوذ او کران تا کران زمین است و محدوده جغرافیایی حکومتش سراسر کره زمین.^۵

۲. نظام حکومتی او

نظام حکومتی‌اش همان نظام اسلامی مبتنی بر توحید است و به علت سرخوردگی مردم از نظامات جور و تبعیض مورد حمایت مردم قرار می‌گیرد. مردم خود پذیرای این نظام‌اند و خواستار اجرای دستورات و تعالیم اسلامی و

۱. (نور: ۵۵).

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱.

۳. صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ج ۲، ص ۲۹۳.

۴. همان.

۵. یملاء الله به الارض قسطاً و عدلاً؛ صدوق، اکمال الدین و اتمام الغمة، ج ۲، ص ۳۷۷.

قرآنی و هم خود عهده‌دار حفظ و صیانت آن‌اند. او همان حکومتی را بنا می‌کند که رسول خدا ﷺ آن را پایه‌ریزی کرد و علی علیه السلام در پی احیاء و صیانت آن بود و قرآن قانون اساسی آن حکومت است و سنت به‌عنوان مفسر و مبین آن. در این نظام سخن را بر خدا حاکمیت دارد، اهواء خودپرستان و زورمداران محکوم و حرکت در خط باطل ممنوع است. سیاه‌وسفید، قوی و ضعیف از مواهب کافی برخوردارند و زیر لوای آن به عدالت سر می‌کنند؛ و کسی را بر دیگری جز به ملاک تقوا امتیازی نیست.^۱

۳. در کیفیت حکومت

در عصر ظهور، در کیفیت حکمرانی بر دو مسئله تأکید می‌گردد، عدالت و قانون. عدالت در جامعه آن روز سایه‌گستر و دامنه آن وسیع و دربرگیرنده عدل سیاسی، عدل اقتصادی، عدل فرهنگی و عدل اجتماعی است. عدالتی که مظهري از عدالت روز رستاخیز است. قانون حاکم همان قانون الهی است که مالک خلق و امر^۲ و دانای به همه نهان و آشکار افراد است.^۳ بر اساس خیر و صلاح بشر و سودرسانی به او قانون تهیه دیده و جوانب و ابعاد زندگی را در نظر دارد. در این قانون ارزش‌های انسانی و کرامت والای انسان محفوظ است. احکام الهی بدون هیچ ملاحظه‌ای اجرا شده و حق عمومی بیش از حقوق اختصاصی افراد مورد نظر است.^۴

۴. مسئله امنیت

شوکت و قدرت ظالمان از بین می‌رود، تهدیدهای زورمداران و مستبدان جای پای خود را از دست می‌دهند به فرموده امام باقر علیه السلام: او به عدالت حکم می‌کند، ظلم و ستم را از میان برمی‌دارد و در نتیجه راه‌ها امن می‌شوند... هر صاحب حقی به حق خود می‌رسد، نیروها و پرچم‌های ناحق در برابر او سقوط می‌کنند و هیبت

۱. (حجرات: ۱۳).

۲. (اعراف: ۵۴).

۳. (نحل: ۱۹).

۴. اشاره به نامه ۵۳ نهج البلاغه.

او سراسر گیتی را فرامی گیرد.^۱ آری، امنیت بر سراسر زمین گسترده می شود، مردم آزاری به هم نمی رسانند، ترس و وحشتی بر کسی حاکم نیست و خدای را با امنیت عبادت کنند.^۲ حتی حیوانات در نظام حیات امنیت یابند^۳ و حق به حق دار رسد. روایات ظهور ناظر به آن اند که میزان امنیت در حدی است که زنی با زیب و زیور، به تنهایی راهی مسیری شود بدون آن که ترسی از خطر داشته باشد.^۴

۵. در تحقق عدالت

او در تشکیل حکومت و تحقق عدالت در کنار یاران و دوستدارانی است که در وصف آن ها گفته اند، رهبان باللیل و لیوث بالنهار.^۵ قدرت هر یک از یاران امام را معادل هموردی با چهل تن ذکر کرده اند.^۶ اینان در راه هدف مهدی علیه السلام چنان بجنگند که خدای را از خود راضی کنند و ملامت احدی در آنان اثر نکند.^۷ آن ها را با پروردگار رابطه ای صمیمانه و توأم با خضوع و خشوع است. عده آنان در آغاز سیصد و سیزده نفر است^۸ ولی به تدریج بر تعداد آن افزوده گردد. با کسانی که مخالف آرمان حق اند، مبارزه کنند و امان خواهی آن ها را نپذیرند مگر آنگاه که تسلیم حق شوند. چنین افرادی مصداق این آیه قرآن شوند که: «فَلَمَّا أَحْسَوْا بِأَسْنَانِ إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ»^۹.

۶. در جنبه آزادی

در عصر او آزادی مشروط و مقید گردد. هرکس موظف می شود بخشی از

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۳.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۳.

۳. به نقل از؛ صافی گلپایگانی، نوید امن و امان، ص ۱۱۷.

۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۹.

۵. همان، ص ۱۱۹.

۶. همان، ص ۱۲۱.

۷. (مائده: ۵۴).

۸. عده اصحاب بدر.

۹. (انبیاء: ۱۲).

آزادی‌های خود را به نفع آزادی دیگران صرف نظر کند و میدان را برای بهره‌گیری دیگران از این نعمت موهوب باز گذارد. معیار آن ضوابط اندیشیده شرعی و موازین قرآن و سنت است.

او با نبردی سخت افراد بی‌بندوبار را از میدان بدر کند. آن‌ها که خواستار آزادی بی‌حد و حصرند و می‌خواهند کره زمین را تنها مرتع عیش و مرکز لذات خود قرار دهند، در عصر حکومت مهدی علیه السلام در قید و بندند مگر آنگاه که به سر مرز خویش آیند و بدین سان آزادی وجود دارد و البته به میزان کفایت، ولی در چارچوب ضوابط اندیشیده و گرفتاران و محرومان از قیدها خلاصی می‌یابند و می‌توانند دست و پایی بگشایند و در این گستره وسیع زمین نفس راحتی بکشند، آری در عصر ظهور طاغوت‌ها محکوم و از صحنه بدر می‌شوند. آفتاب عدالت و مساوات بر حیات زندگی همگان می‌تابد. استثمارگران را میدانی برای خودنمایی و فعالیت باقی نماند. دست‌های بسته گشوده گردند و زمین از ارث وجود کبرفروشان و اختناق آفرینان پاک گردد.

۷. استقرار حق

کشورها، شهرها، قصبه‌ها تحت تصرف او درآیند و این نیازمند به زمانی طولانی نیست. به فرموده امام مجتبی علیه السلام خداوند به تأییدات غیبی خود او را مؤید گرداند و حزب او مصداق حزب الهی است که خدای آن‌ها را غالب خوانده است.^۱ در این بین، جنود باطل نیز در تلاش و هجوم‌اند ولی سرانجام بر اساس وعده قرآن از بین رفتنی است.^۲ او وارث زمین می‌شود که او و یاران گران قدرش مصداق متقین قرآن‌اند.^۳

دست تجاوزکاران از تجاوز کوتاه گردد، حق استقرار یابد و جامعه از حقوق فردی و اجتماعی خود به وجهی نیکو برخوردار گردد.

۱. (مائده: ۵۶).

۲. (اعراف: ۱۲۸).

۳. (اسراء: ۸۱).

در عرصه اقتصاد

این خواست خداوند است که در فرجام حیات بشر، فراوانی نعمت برای بشر پدید آید و انسان روی راحت و آسایش را ببیند و اقتصادی سالم و بارور را شاهد گردد.

۱. ظهور و بروز امکانات

در زمان ظهور، زمین برکات خود را بیرون می‌ریزد.^۱ زمین پاره‌های جگر خود (معدن) را بیرون ریزد و کلیدهایش را در اختیار دیگران می‌نهد.^۲ آسمان باران خود را بر زمین فرومی‌بارد و زمین گیاهان خود را بیرون می‌دهد^۳ از جهت خیراتی که نازل می‌شود حتی مردگان آرزوی زندگی کنند و گنج‌های زمین برای امام آشکار گردد و درختان به تمام و کمال میوه دهند.^۴

این امکانات در اختیار امام و مردم قرار گیرد و همه‌جا پر از نعمت است و همه انسان‌ها امکان بهره‌مندی از مواهب را دارند^۵ در نتیجه همگان احساس مسئولیت و فراغ و آسایش کرده و می‌کوشند دنیای جدید پر از راحت و رفاه برای خود بیافرینند.

۲. خط تولید و تلاش

گسترش تولید همراه سبزی و خرمی زمین، کشت وسیع و نزولات فراوان آسمان. هر جا که قدم گذاری محیط سبز است و پر از گیاه و انسان احساس لذت دارد که جهان را میدان فعالیت قرار دهد و به تلاش و کوشش پردازد.

هیچ ویرانه‌ای در زمین نمی‌ماند جز آن‌که آدمی آن را آباد می‌سازد. هیچ زمینی روئیدنی را در دل خود نگاه نمی‌دارد و هیچ نقطه‌ای در مسیر سفر بدون سبزه و خرمی نیست. زمین عطراگین است و عقول متمرکز و هدایت شده برای ابداعات

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۳. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۲۳.

۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۹۱.

۵. همان.

و اختراعات فراوان. مردم به وظیفه و مسئولیت خود آگاه‌اند و در سایه رشد و بیداری عقول مسئولیت می‌پذیرند و در ازای بهره‌گیری از حاصل کار و تلاش دیگران، خود را در معرض فعالیت قرار می‌دهند. اخلاق به گونه‌ای حاکم است که آدمیان شرم از بیکاری و یله و رهایی کنند و از گریز و فرارشان از کار خجل باشند.

۳. در توزیع

منابع مالی به قسط و عدل در میان مردم توزیع گردد و در نتیجه بیچاره و مستمندی در جامعه نیست، هرکس سهم خود را بر اساس قسط دریافت می‌کند، لذا همه‌جا نعمت باشد و مردم بی‌نیازند.^۱ توزیع عادلانه ثروت به گونه‌ای همه‌گیر است و اصول اخلاقی و اعتماد حاکمیت دارد که دست در جیب هم کنند تا نیازشان را برآورند. همگان به اندازه توان کار کنند و هرکس به اندازه نیاز بردارد.^۲

دیگر نیازی به سوءاستفاده و یغماگری و چپاولگری نباشد. دست مردم گشاده باشد و همگان از نعمات الهی احساس سیری کند و صدالبته حکومت اخلاق سبب این احساس است.

۵. تعاون و همکاری

کینه‌ها، بددلی‌ها، تفرقه‌ها، از میان رخت بربندد، عوامل تنگ‌نظری و بنخل که ترس از آینده است در جهان حضور و ظهور ندارند و مردم نسبت به وضع آینده خود خوش‌بین‌اند. در بینشان بر اساس حکم قرآنی برادری است، وحدت است و دوری از تفرقه است.^۳ حکم خدا در امر تعاون در بر و تقوی پیاده شود.^۴ محبت و الفت آنان را به یاری و همدلی می‌کشاند. مردم بر اساس فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله همان را برای دیگران دوست می‌دارند که برای خود و همان را کراهت

۱. نعمانی، الغیبة، ص ۷۵.

۲. همان.

۳. (حجرات: ۳).

۴. (مائده: ۲).

دارند که برای خویش^۱ همگان در چنان شرایط اخلاقی اند که دوست دارند به کمک هم بشتابند و نسبت به هم تعاون و همبازدلی داشته باشند. خدمات و صدقات بی منت و اذیت است^۲ و روابط بدون فخرفروشی و برتری جوئی است همه خود را از آدم و آدم را از خاک می شناسند.^۳

۶. زندگی شیرین

در عصر حضرت زندگی‌ها شیرین است، ترس از گرسنگی و وحشت از ناداری نیست، آدمی را نیازی نیست برای طی سفری، آب و غذایی با خود همراه برد. هیچ منزلی فرود نیاید جز آن که در آن چشمه‌های آب جاری باشد هر گرسنه‌ای سیر گردد، هر تشنه‌ای سیراب شود و این حاکی از فراوانی نعمت است و شاید به همین علت عصر او را عصر طلایی می نامند.

به فرموده علی علیه السلام: دنیا پس از آن همه چموشی و لجبازی به ما روی خواهد آورد و این همانند روی آوردن بچه شتری دورمانده از مادر خویش است که او را چاره‌ای جز این بازگشت نیست.^۴

در عرصه اجتماع

سخن از آینده خوش اجتماعی است. روابط بر اساس الفت و اخوت است و منازعه‌ای در میان نیست.

۱. جامعه زمان او

جامعه‌ای بیدار و روشن است، تعبیر علی (ع) در این مجال زیبا است که فرمود: «پس گروهی در آن فتنه‌ها هدایت و رستگاری یافته و صیقلی می شوند، دیده‌های آن‌ها به نور قرآن جلا داده می شود و تفسیر در گوش‌های آن‌ها جا گرفته می شود و شب‌هنگام جام‌های حکمت را به آن‌ها بیاشامند بعد از این که در

۱. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۱۱۱.

۲. (بقره: ۲۶۴).

۳. کلکم لآدم و آدم من تراب؛ طبرسی، مکارم الاخلاق.

۴. نهج البلاغه، حکمت ۲۰۰.

بامداد هم آشامیده باشند»^۱

جامعه زمان او جامعه‌ای است سالم و منظم و تحت ضوابط که همه امور و برنامه‌هایش انسانی و اسلامی است. آلودگی‌ها و عفونت‌ها در آن جای پای ندارند. شرایط و ضوابط جاهلیت درهم فرو ریخته و اساس آن منهدم شده‌اند. جامعه زمان او جامعه‌ای انسانی و فارغ از اختلافات نژادی، فرقه‌ای و منطقه‌ای و فخرها و مباهات‌های جاهل‌منشانه و امتیازخواهی‌های بی‌حساب است. همه نسبت به هم مهربان و یکدل و باصفایند همه سر سفره وحدت اسلامی میهمان‌اند و کسی را بر دیگری فخر نیست.

۲. در برابر بدکاران

در جامعه عصر امام علیه السلام ستمگران قصاص می‌شوند، حدود الهی اجرا گردد و خاطیان تعزیر گردند. خیانتگران به اموال عمومی تأدیب شده و مفساد اخلاقی و اجتماعی رخت بریندد. در برابر کفر سختگیری است و صلابت. در برابر بدکاران ایستادگی و مقاومت است، داوری‌ها بر اساس موازین عدل است. نفاق و ریا در بازار، زمان و خریداری ندارد. مجامله و تملق محکوم و مطرود است. اختلاف اهواء و تشتت اقوال و انحرافات از میان رخت برمی‌بندد و حاکمیت ظلم از میان می‌رود، دیگر پرده‌پوشی از حق نیست و کسی مجبور به تقیه نیست. حدود الهی تعطیل شده از نو احیاء می‌شوند.

۳. در برابر محرومان

او قیام می‌کند تا زمین را از عدل و داد پر کند و جور و تبعیض را از میان بردارد. او می‌خواهد مستضعفان را وارثان زمین سازد.^۲ محرومان را از زیر بار ظلم و ستم و تجاوز رها سازد. او یاور مظلومان است، در کنار محرومان است. به‌واقع شعار او این است که «القوی عندی ضعیف حتی آخذ الحق منه».^۳ او در

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۰.

۲. (قصص: ۵).

۳. نهج البلاغه، خطبه ۳۷.

راه مجاهده‌ای راستین است، در مبارزه با ظلم و ظالم است، در خط برپاداری عدل است، می‌خواهد حکومت حق را برپا و استوار دارد و حیات را بر مبنای رعایت حقوق متقابل بر اساس مبانی فکری اسلام قرار دهد. او در این عرصه موفق است و تا حدی که در عصر او درمانده و زمین‌گیری وجود نخواهد داشت و کسی نتواند گفت من محروم و یا مرا از وصول به حق بازداشته‌اند.^۱

۴. پذیرش مردم

مردم سرخورده از نظامات جهان، به علت انسی که با فطرت خود می‌یابند و به علت قاطعیتی که در رهبر خود می‌بینند، دعوت او را پذیرفته و تسلیم فرمان او هستند. چون پروانه‌ای به دور شمع وجودش جمع شده و در تحقق اهداف اسلامی کمک‌کارش می‌شوند. آنان را به تشنه‌کامانی می‌توان تشبیه کرد که در جستجوی یافتن آب نوشین و گوارای اسلام‌اند و می‌خواهند از آن به میزان کافی بهره گیرند. رشد فکری و پیشرفت اندیشه آن‌ها نیز در این امر کمک‌کار است. آن‌ها را این توان و قدرت پدید می‌آید که در عرصه اعتقادی قادر به ارزیابی باشند و به دنبال تن دادن به امور مسائل و احکام اسلامی باشند.

البته افرادی هستند که به‌سادگی تسلیم رأی و نظر او نمی‌شوند و دربند هواها و خواسته‌های خویش‌اند و شهوات و تمایلاتشان تحت ضابطه درنیامده است. مشکل آن‌ها جهالت و جحود است. مشکل منافع است. امام را متهم به آوردن دین جدید می‌نمایند و صدالبته دولت حق، دولت پیروز خواهد شد.

نتیجه

فرجام جهان و آینده بشر، از دیدگاه اسلام، با ظهور امام عصر علیه السلام، آینده‌ای امیدبخش و مسرت‌آفرین و در طریق عدالت و در راستای عبودیت است. حکومت اخلاق جامعه‌ای فاضله را رقم خواهد زد. بشریت چند صباحی امنیت و آرامش و عدالت را تجربه خواهد کرد و هدف خلقت محقق خواهد شد. دین با ورود به عرصه اجتماع و چرخه سیاست و اقتصاد، فرهنگی نو را رقم خواهد زد

۱. صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۱۵۶.

و چهره ناپاک جهان را روشن خواهد کرد و دوره پیروزی خداپرستان تحت رهبری ذخیره الهی رخ می‌نماید.

در سایه رشد و هدایت عقول، تنظیم قوای نفسانی و کنترل اهواء، عصر حقیقت و دانش و ظهور کمال و اخلاق شکل می‌گیرد و جاهلیت‌های کهنه و نوین رخت بر خواهد بست. فطرت‌های خفته زیر خروارها تبلیغات سوء بیدار شده و رجعت به ندای درونی و بازگشت به عبودیت صورت می‌پذیرد. نظام پر از امنیت گسترده شده و ترس و وحشتی بر دیگران حاکم نیست، آفتاب عدالت و مساوات بر حیاط زندگی همگان می‌تابد و دست‌های بسته گشوده گردد و با استقرار حق و ظهور و بروز امکانات، بهره‌وری و فراغ دامن‌گستر می‌گردد و حکم خدا در امر تعاون در بر و تقوی پیاده شود. جامعه‌ای بیدار و فارغ از اختلافات نژادی و فرقه‌ای و منطقه‌ای و دور از فخر و مباهات‌های جاهل‌منشانه و امتیازخواهی‌های بی‌حساب شکل گرفته و همگان بر سر سفره وحدت اسلامی میهمان گردند و آدمیان همچون تشنه‌کامانی در جستجوی آب شیرین و گوارای این مائده را بپذیرند و به میزان کافی و در طریق توحید از آن بهره‌برند.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
 نهج البلاغه.
 حرانی، ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، جبل المتین، قم ۱۳۸۲.
 صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، موسسه السیده المعصومه، ۱۴۱۹ ق.
 صافی گلپایگانی، لطف الله، نوید امن وامان، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، تهران ۱۳۸۶.
 صدوق، محمد بن علی، الاعتقادات، کنگره شیخ مفید، قم ۱۳۷۲.
 صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، مسجد مقدس جمکران، قم ۱۳۸۲.
 طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، شریف رضی، قم ۱۳۷۰.
 طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبه، موسسه المعارف الاسلامیه، قم ۱۳۸۴.
 مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، انتشارات اسلامیه، تهران، بی تا.
 مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، قم ۱۳۷۲.
 نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، مکتب الصدوق، تهران ۱۳۷۶.